

خدا در فلسفه (۱)

۵

درس

۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ❖  
آموزش درس پنجم فلسفه پایه دوازدهم ❖  
مدرس: سید رحیم موسوی نسب ❖  
استان خوزستان - اهواز ❖



# خدا از دیدگاه فیلسوفان

عهد ایران و یونان باستان

دوره جدید اروپا

خدا و معناداری زندگی

# دیدگاه حکمای ایران باستان درباره خدا



# دیدگاه جامعه یونان در مورد خدا



اعتقاد به خدایان متعدد داشتند

هر کدام از خدایان مبداء  
و منشاء یک حقیقت در جهان

# برخی از خدایان یونان

زئوس

خدای آسمان  
وباران

آپولون

خدای  
خورشید و هنر

آرتمیس

خدای عفت  
و خویشنداری



# نحوه برخورد مردم یونان بامنکر خدایان



طرد از جامعه یونان

کشتن منکر خدایان

عدم اجازه توهین

۱- انکار خدایان یونانی ها  
۲- از خدای جدید سخن می گفت

۳- اصلاح پندار مردم درباره خدا با روش فلسفی استدلالی  
۴- توجه دادن مردم به حقیقتی برتر درهتی و اداره کننده اصلی جهان

روش سقراط  
در برخورد با یونانیان  
نسبت به خدایان شان

# خدا از دیدگاه افلاطون در رساله تیمائوس

معقول  
و نامحسوس

نه از طریق حواس  
دریافتنی است. فقط با  
تفکر و تعقل می توان  
به او دست یافت و از او  
بهره مند شد.

پیوسته ثابت

نه می زاید و نه از میان  
می رود و نه چیز دیگری  
را به خود راه می دهد  
و نه خود در چیزی  
دیگری فرو می شود.

کار خدا  
هدفدار است

نزد افلاطون خدای  
معین، با ویژگی روشن  
است و متفاوت  
با چندخدایی یونان

امکان خداشناسی  
فلسفی

افلاطون با روش  
فلسفی استدلالی  
در پی اصلاح عقیده  
یونانیان  
در مورد خدا بود



# ویژگی برهان های ارسطو درباره خدا

• اما از استحکام خاصی برخوردار بودند

• به عنوان مبداء نخستین جهان (اولین استدلال های)

قدم های  
اولیه  
بودند

اثبات  
وجود  
خدا

وجود حقیقتی  
که بهترین  
است

زمینه  
قدم بعدی  
شدند

• خدا خوب ترین و بهترین حقیقت است.

• زمینه را برای برهان های بعدی فراهم ساخت

# استدلال ارسطو در اثبات وجود خدا

وجود خوب تر و بهتر:  
دلالت بر وجود خوب  
ترین و بهترین هست.

وجود نظم در جهان  
دلالت  
بر وجود جاویدان است.

در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر هستند  
نتیجه: حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود  
دارد که از همه برتر است که همان واقعیت الهی  
است (مراتب موجودات)

تغییر و تحول منظم در جهان برای رسیدن به غایت است  
خود غایت باید ثابت و همیشگی باشد تا بتواند نظم همیشگی  
حاکم کند

ثبات و تغییر پذیر نبودن خصوصیت موجود جاویدان و برتر است  
نتیجه: هدف و غایت جاویدان غیر مادی، حرکت های منظم  
جهان، خداوند است (تقسیم موجودات به مادی و مجرد)

# توصیفات ارسطو در مورد خدا و مبدء نخستین جهان

تغییر ناپذیر = ماده نیست

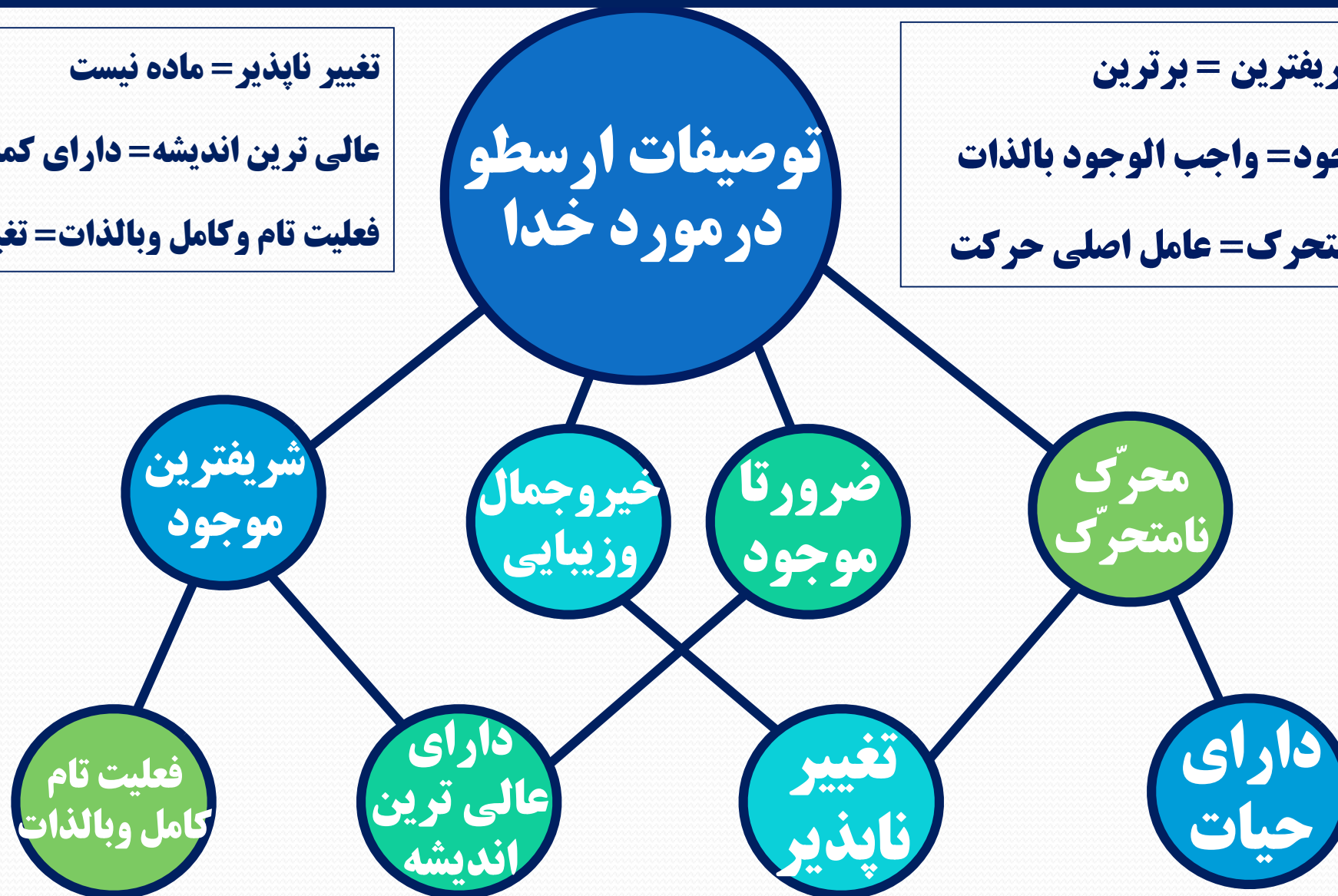
عالی ترین اندیشه = دارای کمال عقل

فعلیت تام و کامل وبالذات = تغییر ناپذیری وثبات

شریفترین = برترین

ضرورتاً موجود = واجب الوجود بالذات

محرک غیر متحرک = عامل اصلی حرکت



# دیدگاه سه فیلسوف بزرگ یونان درباره خدا

## ارسطو

- تلاش برای بیان برهان‌هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان

## افلاطون

- ابداع کننده خداشناسی فلسفی
- با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کرد
- خدا موجودی هدفدار و ثابت

## سقراط

- تلاش برای اصلاح اندیشه مردم آتن درباره خدا
- توجه دادن مردم به حقیقتی برتر و اداره کننده اصلی جهان

# استدلال عقلی دکارت در اثبات وجود خدا

خدا حقیقتی نامتناهی



رنه دکارت عقل گرا

مقدمه

۱

من در ذهنم تصویری از حقیقت نامتناهی دارم که خالق من و موجودات است.

مقدمه

۲

چون متناهی ام نمی توانم موجود نامتناهی را تصور کنم.

نتیجه

پس: موجود نامتناهی خودش تصویر را در ذهنم ایجاد کرده است (چون فقط او می تواند چنین ادراکی را به من بدهد)

# دیدگاه دیوید هیوم در مورد وجود خدا

عقل در ادراک خدای  
نامتناهی ناتوان است.



دیوید هیوم  
فیلسوف حس گرا

مقدمه

۱

دلایل عقلی صرف ، مردودند  
زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد

مقدمه

۲

برهان نظم که مهمترین برهان فلاسفه الهی  
است ، از تجربه گرفته شده و حداکثر اثبات کننده  
وجود ناظم و مدبر است

نتیجه

با برهان نظم نمی توانید به وجود یک خالق نامتناهی و واجب  
الوجود بالذات برسید ( لزومی ندارد ناظم خالق هم  
باشد یا واجب الوجود بالذات



# اثبات وجود خدا از دیدگاه کانت



سعادت اخلاقی بشر مشروط به وجود خدای نامتناهی است



انسان زندگی اجتماعی دارد



اختیار و اراده مادی نیست



زندگی اجتماعی بر پایه اخلاق است



اختیار خصوصیت روح است  
روح و نفس مجرد جاودانه است که برای سعادت دائمی به جهان ماورائی نیاز دارد.



اخلاق بدون اختیار بی معناست



جهان ماورائی، مشروط به وجود خدای جاویدان و نامتناهی است

# دیدگاه فیلسوفان حس گرای بعداز کانت در مورد خدا



امکان اثبات و شناخت خدا منتفی است

چون ما تنها ابزار شناختی مان حس هست  
و خدا نامحسوس است پس: نمی توانیم درباره خدا به  
هیچ شناختی برسیم بنابراین یا وجود ندارد یا وجود  
دارد ولی قابل اثبات نیست

هیوم و کنت

تجربه گرایان بعداز کانت

به دو دسته تقسیم

می شوند:

جیمز وبرگسون: از تجربه های معنوی درونی عشق  
و عرفان برای باور به خدا بدون ذکر دلایل عقلی  
یا تجربی استفاده می کردند چون این امور انسان را  
امیدوار به زندگی اش معنا می دهند.

جیمز، برگسون،  
گرگور، کاتینگهام

# خلاصه دیدگاه تجربه گرایان



**هیوم و کنت:**

وجود خدا قابل اثبات نیست بنابراین وجود ندادن پس نباید به او اعتقاد داشت.

**جیمز، برگسون، کرگور، کاتینگهام:**

بدون ذکر دلیل باید خدا را باور کرد: براساس تجربه های معنوی درونی، عشق و عرفان (تجربه های درونی غیر قابل انتقال به غیر هستند)

# خدا در دوره جدید اروپا (فلسفه غرب)

کارت	هیوم	کانت	ویلیام جیمز – برکسون	کرکگور	کاتینگهام
خدا حقیقتی نامتناهی	عقل در ادراک خداوند نامتناهی ناتوان است	سعادت اخلاقی بشر مشروط به وجود خدای نامتناهی است	تجربه های درونی و عشق اثباتگر خداوند است	ایمان هدیه الهی خداوند است	امید و معنابخشی به زندگی نشان وجود خداوند
تصویری از موجودی نامتناهی دارم من متناهی هستم این ادراک از موجودی نامتناهی به من داده می شود.	عقل ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.  مهمترین برهان فیلسوفان الهی برهان نظم است برهان نظم نشان از ناظم است نه وجود نامتناهی	زندگی جمعی در گرو رعایت اصول اخلاقی است  رعایت اصول اخلاق مشروط به داشتن اختیار است  اختیار صفت روح است  روح جاودانه نیازمند جهانی جاودانه است  جهان جاودانه مشروط به خدای جاودانه است	دلیل وجود خداوند در تجربه های شخصی و درونی ماست.	خدا انسان مومن را برمیگزیند و به او ایمان راهدیه می کند.	خداوند به ما امید می دهد و زندگی ما را با ارزش می نماید تا احساس ناامیدی نکنیم.





از توجه شما

باتشکر